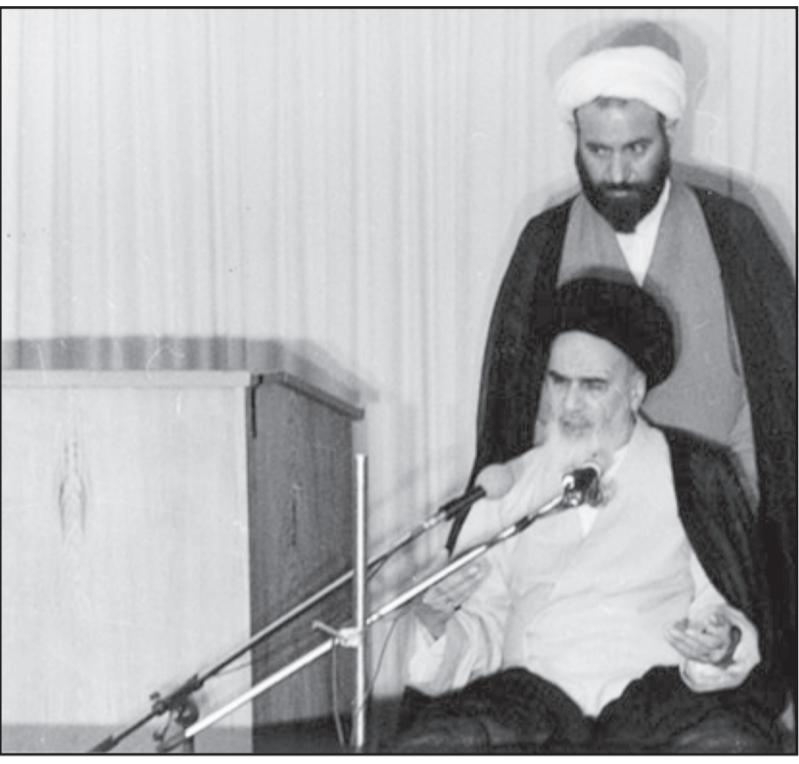


حق اخوت

به مناسبت چهلمین سال صدور پیام امام خمینی(ره)
در ابراز اعتماد به آیت الله حاج شیخ حسن صانعی



راز جاودا نه شدن یاد نلسون ماندلا

رهبری که بزرگ بود و بزرگی را می‌شناخت...
و یافرست؛ با دشمنی و تکبر میانهای نداشت.

"نلسون ماندلا"

برای همیشه در تاریخ ماندگار شد.

نه پوزهای به خاک مایلید شد!

نه مشتش را بی‌جهت گرد و بر دهان کسی

کویید

و نه بر کسی خشم گرفت.

نه سیلی که صورت کسی زد

نه دستور انققام داد.

بلکه او انسانیت را به جهان نشان داد.

نلسون ماندلا برای همیشه زنده ماند.

او وقتی به ریاست جمهوری افريقيای جنوبی

برگزیده شد حتی قاضی که او را حکم به زندان

مادام‌العمر داده بود بخشید و به ضیافت شام دعوت

کرد!

نلسون ماندلا چه زیبا گفت: در هر انقلابی اگر

انقلابیون، حاکمان و افراد قلی را کشتنید یا انققام

گرفتند، بدایان آن انقلاب و انقلابیون هیچ وقت کشور

را آباد نخواهند کرد.

بلکه آنها طالمانی خواهند شد که فقط دنبال کینه

ورزی، قتل و غارت خواهند بود و در آخر، کشور را به

ویرانه کشانده و به تلی از خاک تبدیل خواهند کرد!

هیجان، پر از انرژی، پر از نیاز به "فرمان حمله و

انتقام دهها سال تحییر!"

نلسون ماندلا گفت:

ای مردم! من بخشیدم

من همه را بخشیدم،

شما هم ببخشید...

ما مخواهیم زندگی کنیم،

می‌خواهیم پیشرفت کنیم،

می‌خواهیم الگوی فرزندانمان باشیم.

می‌خواهیم آینده را باسازیم.

ما فرستی برای کینه‌ورزی نداریم!

ما برادری بیخواهیم.

ما با همانهای که ما را انسان نمی‌دانستند،

برادریم.

ما بزرگیم، ما پاسخمن به آنها محبت است.

ما پاسخمن کار هم ایستادن است. چون ما

بزرگیم...

آن روز سیاهان رقصیدند، آن روز سیاهان کینه‌ها

حالا دیگر سکوت همه میدان را فراگرفته بود، آیا

را دور رختند.

آن روز سیاهان مردی را شاختند که خیلی بزرگ

بود.

نلسون ماندلا نگاهی به جمیعت انداخت، جمعیتی

مردی که حرفهای نو داشت

که سیاه سیاه بود.

رهبری که سفید پوست بین شان نبود و همه پر از

کشید؟

نلسون ماندلا، نلسون ماندلا

حالا دیگر سکوت همه میدان را فراگرفته بود، آیا

را دور رختند.

نلسون ماندلا چه میخواهد بگوید؟

نلسون ماندلا نگاهی به جمیعت انداخت، جمعیتی

مردی که حرفهای نو داشت

که سیاه سیاه بود.

رهبری که سفید پوست بین شان نبود و همه پر از

روز چهارم طلوع کرد و او هیچ طعام نخورد. روز چهارم، هیچ

نگفت. شب، پدر از او خواست که کاغذها بیاورد و نوشته‌ها

بخواهد. پسر گفت: امروز هیچ نگفتمام تا برخوانم. قلمان گفت:

بر من بخوان، آنگاه روزهات را بگشا و طعام خور.

شبتابگاه، پسر هرچه نوشته بود، خواند. دیروقت شد و طعام

نتوانست خورد. روز دوم نیز چنین شد و پرسیج طعام نخورد.

روز سوم باز هرچه گفته بود، نوشت و تا نوشته را برخواند، آفتاب

تو داری.

نلسون ماندلا مبارز سیاسی آفریقای جنوبی بعد

از ۲۷ سال که در زندان بود آزاد شد و در بدو آزادی

از زندان، برای مردم سیاه پوست کشورش سخنرانی

کرد.

او با صدای رسا و بلند گفت:

ای مردم!

چه کسی بیشتر از همه زندان بوده؟

همه یک صدا فریاد زندن:

نلسون ماندلا، نلسون ماندلا

ای مردم!

چه کسی بیشتر از همه کنک خورد؟

همه فریاد زندن:

نلسون ماندلا، نلسون ماندلا

چه کسی بیشتر تحریر شد؟

نلسون ماندلا، نلسون ماندلا

ای مردم! چه کسی بیشتر از همه انفرادی و تنها ی

شده؟

نلسون ماندلا، نلسون ماندلا

حالا دیگر سکوت همه میدان را فراگرفته بود، آیا

را دور رختند.

نلسون ماندلا نگاهی به جمیعت انداخت، جمعیتی

مردی که حرفهای نو داشت

که سیاه سیاه بود.

حتی یک سفید پوست بین شان نبود و همه پر از

لهمه باری دارد

لهمه باری دارد